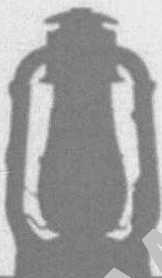


فانوس های معابر

زندگی: و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه
شهید منوچهر رضایی زنگنه

نگارش و تدوین: سکینه محمدی

۱۳۹۶



سرشناسه: محمدی، سگینه، ۱۳۳۹.

عنوان: فانوس‌های معابر (استد- داستانی زندگی‌نامه شهید منوچهر رضایی‌زنگنه) نگارش و تدوین: سگینه محمدی. تهیه‌کننده:

ستاد یادواره شهدای اطلاعات قرارگاه منطقه‌ای نجف‌اشرف نیروی زمینی سپاه.

مشخصات نشر: مرصاد(وابسته به اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص بهاد: ۱۰۰۰۰۰ ریال isbn: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۷۶-۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: رضایی‌زنگنه، منوچهر، ۱۳۵۹-۱۳۳۸.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - داستان.

موضوع: شهیدان - ایران - کرمانشاه - بازماندگان - داستان.

شماره افزودن: یادواره شهدای اطلاعات قرارگاه منطقه‌ای نجف‌اشرف نیروی زمینی سپاه، نشر مرصاد(وابسته اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس استان کرمانشاه).

رده‌بندی کنگ: ۱۳۹۶، ۷۶۲۱، ۷۶۲۱/۱، PIR۳۶۱

رده‌بندی دیو: ۷۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۰۰۱۱



فانوس‌های معابر

(زندگی‌نامه و خاطرات شهدای اطلاعات قرارگاه منطقه‌ای نجف‌اشرف نیروی زمینی سپاه)

شهید منوچهر رضایی‌زنگنه

نگارش و تدوین: سگینه محمدی

صفحه‌آرا: فرزانه جلیلیان

ناشر: مرصاد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

قطع: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۷۶-۷-۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق است به:

ستاد یادواره شهدای اطلاعات قرارگاه منطقه‌ای نجف‌اشرف نیروی زمینی سپاه

فهرست مطالب

- مقدمه ۱۱
- گذری بر زندگی نامه شهید ۱۹
- در سنگر درمنه ۲۷
- چشم و گوش بی ۲۳
- دیدار دوست ۶۷
- در محضر عدالت دوست ۷۹
- فصلی تازه ۱۰۹
- فرمانده کاردان ۱۱۷
- گروگان‌هایی که آزاد شدند ۱۴۰
- تیری بر چشمان آسمانی ۱۶۵
- شهید به روایت تصاویر و اسناد ۱۷۵

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^(ره)، ابرقدرت‌های سلطه‌گر غربی و آمریکایی که دستشان از منابع ایران کوتاه شده بود، بیکار نشستند و برای سلطه و بار بر منابع ایران، اقدام به توطئه کردند. آن‌ها انگشت روی مناطق حساسی مانند کردستان که از قدیم الایام دارای اختلافات مذهبی و قومی بودند، گذاشتند و با فریمن سران احزاب فعال در کردستان و با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود، این مناطق را در ماراغشاش کردند و یک غائله بزرگ را در کردستان شکل دادند.

اما چرا این غائله در کردستان شکل گرفت؟

وجود اختلافات مذهبی طولانی مدت در کردستان و وجود احزابی مانند دمکرات و کومله که وابسته به کشورهای شرق و غرب بودند و سران آن‌ها سال‌ها در خارج از کشور بودند و با پیروزی انقلاب، برای دستیابی به پست و مقام به ایران برگشته بودند، عناصر روحانی‌نمای مرتبط با دشمن اسلام شدند. شیخ عزالدین حسینی و از همه مهم‌تر هم‌جواری این منطقه با کشور عراق که شدیداً با پیروزی انقلاب اسلامی، دچار هراس و وحشت شده بود، موجب شد که کردستان به عنوان اولین و مناسب‌ترین نقطه برای شروع توطئه‌های زنجیروار ابرقدرت‌ها و وابستگان آن‌ها تشخیص داده شود و از ماه‌ها قبل از پیروزی انقلاب، مقدمات این توطئه چیده شود و با توجه به این عوامل، با

پیروزی انقلاب، آن‌ها در اول به عنوان سهم‌خواهی از انقلاب، و بعد هم با داعیه خودمختاری کردستان، رودرروی انقلاب قرار گرفتند.

آن‌ها تنها هشت روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پادگان «تیپ سوم لشکر ۶۴ ارتش»، در شهر کردنشین «مهاباد» در استان «آذربایجان غربی» را محاصره و در حالی که از داخل پادگان حتی یک گلوله شلیک نشده بود، آن را تسخیر کردند.

آنها با شهادت رساندن عده‌ای از افسران و سربازان، تسلیحات و مهمات موجود در پادگان را که شامل هجده تانک و سی و شش توپ سنگین و هزاران قطعه سلاح سبک بود، به راحتی غارت کرده و پادگان را به آتش کشیدند؛ و این شروع غائله بزرگ کردستان بود.

به طور عمده مهم‌ترین اهداف انقلاب، در ایجاد شورش‌های قومی در مناطقی مانند کردستان، که با همکاری ابرقارت‌ها طرح ریزی شده بود، دستیابی به نیاتی شوم بود که عبارتند از:

۱- شکست انقلاب اسلامی و بر سرکار آوردن یک رژیم وابسته در ایران که بتواند مجدداً زمینه بازگشت آن‌ها برای دست‌اندازی به ثروت بیکران کشور را فراهم کند.

۲- تضعیف انقلاب اسلامی از طریق ایجاد جنگ فرسایشی، ایجاد تفرقه و اختلاف بین مناطق کردنشین و حکومت مرکزی.

با نیات دسترسی به این اهداف، در کردستان یک جنگ فرسایشی چند ساله صورت گرفت. جنگی که هم منجر به نابودی مقدار زیادی از مهمات ایران و هم باعث به شهادت رساندن صدها جوان عاشق امام و دوست دار تمامیت ارضی ایران شد.

در کمترین زمان ممکن اکثر شهرهای کردنشین آذربایجان غربی و کردستان با مشکل روبه‌رو شدند. ضدانقلاب، هر روز، شهری را به تصرف درمی‌آوردند و شروع به قتل و غارت مردم آنجا می‌کردند. اکثر راه‌های منتهی به این شهرها به تصرف اغتشاش‌گران درآمد و از این طریق، آزار و اذیت مردم بی‌گناه و همچنین کشتار نیروهای رزمنده‌ای که می‌خواستند مانع از تجربه ایران شوند در برهه، در بیشتر باعث ناراحتی افکار عمومی می‌شد.

دولت مکرری که هنوز موقعیت محکمی پیدا نکرده بود، برای حل کردن مشکل کردستان، برها نمایندگان را به عنوان هیئت حسن نیت برای گشودن باب مذاکره دربارهٔ خواسته‌های آن‌ها به کردستان اعزام کرد؛ اما چون تنها هدف اصلی‌شان خودمختاری و استقلال کردن کردستان از ایران بود، مذاکرات به نتیجه نرسید.

در اوایل فروردین ۱۳۵۸ سند رسمی امضا شد که از دست برود؛ حتی برای مدت کوتاهی توانستند به رادیو و تلویزیون هم دست یابند؛ اما این‌بار مردم، طاقشان از دست جنایات آن‌ها طاق شد و عاشقانه برای نجات کردستان شتافتند.

هزاران جوان عاشق انقلاب از سراسر ایران برای نجات کردستان از دست اغتشاش‌گران بسیج شدند. گرچه صدها جوان پرشور جان خود را فدا کردند؛ اما آنچه که مهم بود، این‌که رؤیای جدا شدن کردستان از ایران سرکوب به واقعیت تبدیل نشد.

فرماندهان زبده برای مقابله با فتنه اغتشاش‌گران، راه‌های مختلفی را در پیش گرفتند. ساده‌ترین و عادی‌ترین راه، که همان مقابله نظامی با دشمن بود، در رأس کار قرار داشت و هزاران جوان از سر و جان گذشته به میدان آمدند؛ اما چون اغتشاش‌گران، درس آموخته مکاتب جاسوسی و چریکی بودند، لازم بود

که در این زمینه هم با آن‌ها مقابله درست صورت بگیرد. به همین صورت، در دل رویارویی با دشمنانی که غرق مهمات و ثروت و حمایت ابرقدرت‌ها بودند، «محمد بروجردی» فرمانده «سپاه غرب» تصمیم گرفت که به عنوان چشم و گوش انقلاب، افرادی را وارد نظام دشمن کند.

این افراد، قطعاً نمی‌توانستند افراد عادی باشند. مهارتشان نشان می‌داد که یک سر و گردن بیشتر و بالاتر از نیروهای عادی هستند و می‌توانند توی دل دشمن بروند و نقشه‌ی شوم آن‌ها را بخوانند. این افراد، در درجه‌ی اول افرادی بودند که در برابر جلا شسته بودند. یکی از این افراد که محمد بروجردی با اطمینان خاطر به درون آن‌ها نفوذ داد، شهید والامقام، «منوچهر رضایی زنگنه» بود.

در نوشتن زندگینامه این شهید والامقام، این چشمان آسمانی انقلاب، عزیزانی ما را یاری کرده‌اند که می‌بایست قدردان آن‌ها باشیم. برادران و مادر و خواهر شهید والامقام که با اتفاق خانم کرمی چند بار در منزل مادر شهید و یک‌بار هم در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه با این عزیزان مصاحبه انجام شد و با افتخار این عزیز آسمانی‌شان صحبت کردند.

مصاحبه با هم‌رزم و دوست شهید، آقای عبدالرضا کهزادی، «موزه باغ فردوس کرمانشاه» که اطلاعاتی از شهید را در اختیار من و خانم کرمی گذاشتند.

سی‌دی مصاحبه‌هایی که قبلاً با افرادی از سپاه، خانواده، دوستان و هم‌رزمان شهید انجام شده بود و خانم باقری بزرگواری کرده و این سی‌دی را در اختیار ما قرار دادند.

برداشت آزادی از کتاب «کُر کرمانشاه» نوشته خانم «معصومه جواهری» نیز انجام شده: بعضی از مطالبی که در سخنان برادران و افراد خانواده‌ی شهید مطرح شده و در کتاب هم آمده بود، مورد نظر قرار گرفته و بازنویسی شده است. امیدوارم که مورد رضای خداوند و شهید والامقام قرار بگیرد.

آمین

سکینه محمدی

کرمانشاه، بهار ۱۳۹۶

www.ketab.ir